

احیای سرمایه اجتماعی سکونتگاه‌های غیررسمی با بهره‌گیری از توسعه مسکن گام‌به‌گام (مطالعه موردی: زورآباد کرج)

محمدرضا الله‌یاری^۱، مهدی خاکزند^{۲*}

۱. دانشجوی کارشناسی‌ارشد، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه سوره، تهران، ایران
۲. استادیار، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۰/۲۲ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۲/۰۹)

چکیده

امروزه با توجه به رشد روزافزون پدیده‌هایی چون زاغه‌نشینی فراهم آوردن زیرساخت‌های توسعه‌محور برای سکونتگاه‌های شهری به ضرورتی برای ایجاد ثبات اجتماعی در شهرها تبدیل شده است. هدف این پژوهش بررسی و بازنگری ارزش‌های اجتماعی بالقوه محله زورآباد کرج، به منزله یکی از انواع سکونتگاه‌های غیررسمی، و ارائه راهکاری برای ارتقای هویت ساکنان این سکونتگاه بود و سعی شد، با بیان ضرورت توجه به هویت اجتماعی و سرمایه اجتماعی به مثابه عامل هویت‌ساز در میان زاغه‌نشینان، حذف این مهم علت اصلی ایجاد چنین سکونتگاه‌هایی معرفی شود و این فرضیه مطرح شود که آیا ارتقای سرمایه اجتماعی در گروه ارتباط تنگاتنگ با بوم و به طور مشخص بستر است. بر اساس نتایج حاصل از تئوری زمینه‌ای، زاغه‌نشینی در زورآباد کرج با فقر زیرساختی - کالبدی و اجتماعی، ناشی از توسعه شهری، مواجه است. فراهم کردن چنین زیرساخت‌هایی به ارائه الگویی نیاز دارد که به صورت گام‌به‌گام و توسعه‌ای این مهم را در طول زمان و با بهره‌گیری از ظرفیت‌های موجود در بوم و بستر آن منطقه تحقق بخشد.

کلیدواژگان

بوم، تئوری زمینه‌ای، زاغه‌نشینی، سرمایه اجتماعی، معماری گام‌به‌گام.

* رایانامه نویسنده مسئول: mkhakzand@iust.ac.ir

مقدمه

بر اساس پژوهش‌های انجام‌شده در زمینه سکونتگاه‌ها، نیمی از جمعیت دنیا در شهرها زندگی می‌کنند و پیش‌بینی می‌شود در اواسط قرن فعلی از هر ۱۰ نفر ۷ نفر در شهرها زندگی خواهند کرد (Roy et al 2014). بخش اعظم ساکنان سکونتگاه‌های شهری در سراسر دنیا در زاغه‌ها زندگی می‌کنند (UN Habitat Report 2009). به تعبیر دیگر، شهرها در هر کشوری به محل تمرکز ثروت و انباشت فقر تبدیل شده‌اند (مجد ۱۳۹۴). زاغه‌نشینی پاسخ طبیعی و منطقی ساکنان شهرها به این عدم تعادل است (Elsayed & Nassar 2017) که در بیشتر شهرهای کشورهای در حال توسعه نیز امروزه در حال گسترش است (Abdel Aziz & Shawket 2011).

در ایران هم، در مقام یک کشور در حال توسعه، شهرها با چنین مشکلی به صورت جدی مواجه شده‌اند. کرج، یکی از کلان‌شهرهای ایران و مرکز استان البرز، پس از تهران، بزرگ‌ترین شهر مهاجرپذیر ایران است و امروزه پدیده زاغه‌نشینی در آن به معضل تبدیل شده است. زورآباد نمونه‌ای از مناطق فقیرنشین و حاشیه‌نشین در شهر کرج است که با داشتن ۰٫۲ درصد از مساحت شهر کرج ۶٫۸ درصد از جمعیت آن را در خود جای داده است. عمده مشکلات این سکونتگاه تصرف زمین و ساخت غیررسمی مسکن، عدم رعایت ضوابط شهری، نبود زیرساخت، رشد سریع کالبدی و جمعیتی، اشتغال غالب غیررسمی، ناپایداری سازه‌ای و تأسیساتی، پایین بودن سرانه‌های خدماتی، و در نهایت بستری کالبدی برای رشد آسیب‌های اجتماعی است.

مطالعات اخیر تأیید می‌کند این نوع سکونتگاه‌ها جزئی از بافت شهری و دارای بوم و بستری غنی با خصوصیات فیزیکی و اجتماعی متعدد است که شایسته ارزش‌گذاری است و ترکیب جمعیتی جوان با تنوع فرهنگی و خلاق و انعطاف‌پذیر در آن وجود دارد که در هر دو سطح فردی و اجتماعی به اشتراک‌گذاری ارزش‌های متقابل می‌پردازند (UN-Habitat 2003; Roy 2005; Neuwirth 2005; Hernandez et al 2010; Varley 2013).

بهره‌گیری از ظرفیت‌های موجود در چنین بسترها و بوم‌هایی به شکل حداکثری با محوریت مشارکت‌های مردمی به منزله بهترین روش احیای چنین سکونتگاه‌هایی از نظر مدت زمان اجرا و

هزینه‌های صرف‌شده به اثبات رسیده است. این مشارکت حداکثری وابسته به احیا کردن مفهوم جدیدی است که چند سالی با نام «سرمایه اجتماعی»^۱ در پژوهش‌ها مطرح شده است.

مبانی نظری پژوهش

سرمایه اجتماعی

یکی از مفاهیم بسیار مهم که جامعه‌شناسان معاصر در بررسی کمیت و کیفیت روابط اجتماعی در جامعه از آن استفاده کرده‌اند مفهوم سرمایه اجتماعی است. منظور از سرمایه اجتماعی سرمایه و منابعی است که افراد و گروه‌ها از راه پیوند با یکدیگر می‌توانند به دست آورند (Bourdieu 2000; Alberto & La Ferrara 2000; Putnam 1995; Coleman 1988; 1986). سرمایه اجتماعی مجموع منابع مجازی یا واقعی است که به فرد یا گروهی، با توجه به مزیت در اختیار داشتن شبکه پایداری از روابط کم‌ویش نهادینه‌شده آشنایی و شناخت متقابل، تعلق می‌گیرد (Bourdieu 1992). از نظر بوردیو سرمایه اجتماعی جمع منابع بالقوه و بالفعلی است که نتیجه مالکیت شبکه بادوامی از روابط نهادینه‌شده بین افراد و به عبارت ساده‌تر عضویت در یک گروه برای دستیابی به منابع آن گروه است. سرمایه اجتماعی شبکه‌های پیوند هنجارها و اعتماد متقابل است که امکان مشارکت برای فعالیت‌های دسته‌جمعی در جهت دنبال کردن موضوعات مشترک، چون مبارزه با فقر در ابعاد گوناگون، را فراهم می‌آورد (Sen 1999). نتیجه این همکاری انواع متفاوتی از کنش‌های جمعی است (Donoghue & Tranter 2012).

مفهوم کلی سرمایه اجتماعی بر اساس نوع و ماهیت ارتباطات و پیوندهای اجتماعی به «سرمایه اجتماعی محدود»^۲ و «سرمایه اجتماعی اتصالی»^۳ تقسیم می‌شود؛ که اشکال سرمایه اجتماعی افقی هستند (Putnam 2000). سطح محدود به شبکه‌های ارتباطی نزدیک اطلاق می‌شود که شامل اعضای خانواده و دوستان نزدیک و ... است. سطح ارتباطی شامل گروه‌ها و شبکه‌های ارتباطی است که اهداف مشترک فرهنگی، اقتصادی، مذهبی، قومیتی، و ... را دنبال می‌کنند.

1. Social capital
2. Bonding
3. Bridging

معماری زمینه‌گرا^۱

معماری زمینه‌گرا، به منزله معماری بومی که از بطن اجتماع برای پاسخ‌گویی به نیاز مردم بیرون آمده است (Oliver 2006)، بر پیوند محیط با فضا تأکید می‌کند و با درک پیام بستر خود شکل می‌گیرد و در واقع پیامی را که بستر معماری به او انتقال داده به عینیت می‌رساند و طراحی می‌کند. در نتیجه ساختمان جزئی کوچک از طبیعت پیرامون خواهد بود. در این نوع معماری هر بنایی بر اساس زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی، تاریخی، کالبدی، و اقلیمی طراحی و اجرا می‌شود و ساختمان عضو هم‌خوان با اکولوژی و عنصری هماهنگ در بستر خود خواهد بود (بلندیان و ناصری ۱۳۹۳).

مسکن گام‌به‌گام^۲

نوع و شیوه مواجهه با سکونتگاه‌های غیررسمی با توجه به ظرفیت‌های موجود و ماهیت ذاتی چنین سکونتگاه‌هایی به دو دسته کلی تقسیم می‌شود. یک مواجهه بر مبنای تخریب و جایگزینی است و استراتژی دیگر مواجهه از راه بازایی و احیای سرمایه موجود در چنین بسترهایی. به دنبال رویکرد دوم، امروزه مسکن گام‌به‌گام ایده‌ای است که با مواجهه انعطاف‌پذیر سعی می‌کند با بهره‌گیری از ظرفیت‌های بالقوه موجود در بستر این سکونتگاه‌ها به احیای آن‌ها پردازد (Ornelas Neves & Amado 2014).

مسکن گام‌به‌گام، با هدف زمینه‌گرایی، بستر تکامل و بهبود مسکن در یک مدت زمان به نسبت طولانی را ایجاد می‌کند و شرایط زندگی بهتر را برای ساکنان آن بدون تحمیل هزینه سنگین اولیه فراهم می‌آورد. ساختار فضایی چنین سکونتگاهی را ساکنان آن بر اساس شرایط مالی و زمانی بر مبنای زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی، تاریخی، کالبدی، و اقلیمی اضافه می‌کنند یا تغییر می‌دهند. بهره‌گیری از مشارکت حداکثری در سطوح مختلف و بر اساس سرمایه‌های اجتماعی بالقوه از ویژگی‌های ذاتی شکل‌گیری چنین سکونتگاه‌هایی است (Wainer et al 2016). استراتژی مسکن گام‌به‌گام در شیلی در سال ۲۰۰۳ و در هند در سال ۲۰۰۸ از نمونه‌های جهانی است که بر اساس این ایده طراحی شده‌اند.

اهم ویژگی‌های معماری گام‌به‌گام در جدول ۱ می‌آید.

1. Contextual Architecture
2. Incremental housing



شکل ۱ و ۲. مسکن گام‌به‌گام شبلی (pritzkerprize 2016)

جدول ۱. معماری گام‌به‌گام

ویژگی	نوع
معماری گام‌به‌گام طرح‌هایی متفاوت با ایده‌های مشابه است. شما چارچوب را ارائه دهید؛ باقی را خانواده‌ها در دست خواهند گرفت. پس، هدف طراحی یا تلاش برای درک و پاسخ دادن به سه تهدید، مقیاس و سرعت و کمبود منابع، به کار گرفتن قابلیت ساخت‌وساز خود مردم است (TED 2014). در معماری گام‌به‌گام مالکان هستند که گسترش خانه‌هایشان را بر اساس نیاز و منابعشان کنترل می‌کنند (Goethert 2010; Omelas Neves & Amado 2014).	معماری مشارکتی
مسکن افزایشی یک راه مقرون‌به‌صرفه است که به‌سرعت خانواده‌های بسیاری را به حداقل مسکن و خدمات و سرویس، از طریق ارتباط دادن ظرفیت و توانایی خانواده‌های زاغه با برنامه‌ریزی‌های بزرگ شهری، برساند (Goethert 2010).	معماری مقرون‌به‌صرفه ^۱
معماری گام‌به‌گام به مردم چیزی را می‌دهد که خودشان نمی‌توانند تولید کنند؛ مکان و زمین مناسب زیرساختی از خدمات اساسی و ساختار اصلی سازه‌ای و حتی ارتباط با شبکه اجتماعی و خدمات شهری که به‌مراتب از یک خانه به‌ظاهر کامل مهم‌ترند (Wainer et al 2016)	معماری زیرساخت‌محور ^۲
تحقیقات بر این جامعه هدف نشان می‌دهد فراهم کردن نیمی از شرایط مناسب یک خانه خوب برای ساکنان در یک موقعیت مناسب شهری برای آن‌ها به نتایج بهتر اجتماعی و اقتصادی، میزان بالای مشارکت کار، و اشتغال بهتر افراد متقاضی رسمی ختم می‌شود تا ایجاد یک سکونت‌گاه به‌ظاهر کامل (Wainer et al 2016). اجرای این پروژه به افزایش کیفیت بهتر زندگی اجتماعی در سطوح مختلف و همچنین کیفیت فضای شهری و قلمرو منجر می‌شود. این روند را باید یک پروژه پایدار مؤثر در نظر گرفت که به بهبود مسکن موجود بر اساس مشارکت واقعی جامعه (Archdaily 2008) می‌انجامد.	معماری اجتماعی ^۳
این معماری به ارائه یک الگو ساده برای توسعه کالبدی خانه با سرعت پیشرفت سریع می‌پردازد. این الگو براساس آنچه ظرفیت کنونی یک منطقه است، "نیمی از یک خانه بهتر" را برای مالک فراهم می‌کند، که برای زندگی روزمره قابل استفاده و در طول زمان و به سرعت قابل بهبود و تکمیل است (Shelter Report 2014; Goethert 2010).	معماری توسعه‌ای ^۴
مدل گام‌به‌گام مدلی با ساخت هندسی ساده است که با انتخاب مواد طبیعی و محلی با آثار زیست‌محیطی کم (انتشار کم CO2 e / m2 و به لحاظ اقتصادی پایدار امکان بازیابی پتانسیل‌ها و سازگاری با فرهنگ محلی و دانش فنی دارد (Wainer et al 2016).	معماری زیست‌بوم‌محور ^۵

1. Affordable Architecture
2. Infrastructure Architecture
3. Social Architecture
4. Extension architecture
5. Ecosystem architecture

روش تحقیق

با توجه به ابعاد مختلف پدیده زاغه‌نشینی، مانند ابعاد اجتماعی و انسانی و روانی و ...، برای رسیدن به راهکاری عملی از روش پژوهش کیفی تئوری زمینه‌ای استفاده شده است (Creswell 2012). بر مبنای روش تئوری زمینه‌ای در دو سطح باز و محوری، پژوهش‌های مختلف بر مبنای سه مقوله زاغه‌نشینی، سرمایه اجتماعی، و بوم - بستر در سکونتگاه‌های زاغه‌نشین کدگذاری شده‌اند و مقوله‌های عمده هر بخش و نهایتاً مقوله هسته استخراج شده که می‌تواند به منزله راهکار عملی حل این مسئله ارائه شود:

جدول ۲. کدگذاری سطح اول یا باز: زاغه‌نشینی؛ کدگذاری سطح دوم یا محوری: شهرنشینی و فقر

مقوله هسته	مقولات عمده	مفاهیم (کدگذاری سطح ۲)	مفاهیم (کدگذاری سطح ۱)
بخش اول: زاغه‌نشینی			
هم‌گام شدن زیرساخت مسکن شهری با بوم، عامل ارتقای سرمایه اجتماعی و در نتیجه هویت زاغه‌نشینان است.	زاغه‌نشینی دارای فقر، زیرساختی، فیزیکی، و اجتماعی و نتیجه توسعه شهری است.	شهرنشینی و انباشت جمعیت	- امروزه نیمی از جمعیت دنیا در شهرها زندگی می‌کنند (Roy et al 2014).
		شهرنشینی و انباشت فقر	- در اواسط قرن فعلی پیش‌بینی می‌شود از هر ۱۰ نفر ۷ نفر در شهر زندگی می‌کنند (Roy et al 2014).
		شهرنشینی و انباشت فقر	- بیشتر ساکنان سکونت‌گاه‌های شهرها در سراسر دنیا امروزه در زاغه‌ها زندگی می‌کنند (UN-Habitat 2009).
		بی‌عدالتی اجتماعی در شهر	- به تعبیری، شهر در هر کشوری به محل تمرکز ثروت و انباشت فقر تبدیل شده است (مجد ۱۳۹۴).
		رشد حاشیه‌نشینی در شهرهای در حال توسعه	- حاشیه‌نشینی در این وضعیت شهرنشینی پاسخ عملی و طبیعی عده‌ای از بازیگران اجتماعی به عدم تعادل‌ها و نابرابری‌های فضایی است (جوان و عبداللهی ۱۳۸۷).
		بی‌کاری و اقتصاد غیررسمی	- وجود زاغه‌نشینی یا شهرک‌های غیررسمی در اکثر شهرهای کشورهای در حال توسعه رایج است (Roy et al 2014).
			- محدودیت فرصت‌های شغلی باعث می‌شود بسیاری از آن‌ها (زاغه‌نشینان) خود را در اقتصاد غیررسمی استخدام کنند (WHO 2010).

1. slum

ادامه جدول ۲. کدگذاری سطح اول یا باز: زاغه‌نشینی، کدگذاری سطح دوم یا محوری: شهرنشینی و فقر

مقوله هسته	مقولات عمده	مفاهیم (کدگذاری سطح ۲)	مفاهیم (کدگذاری سطح ۱)
هم گام شدن زیرساخت مسکن شهری با بوم، عامل ارتقای سرمایه اجتماعی و در نتیجه هویت زاغه‌نشینان است.	زاغه‌نشینی دارای «فقر» زیرساختی، فیزیکی، و اجتماعی و نتیجه توسعه شهری است.	قوم‌گرایی، استقلال‌طلبی، فقدان امنیت	- حاشیه‌نشینان به دلیل وابستگی‌های قومی و تعلقات محلی شدید تهدیدی برای امنیت و وحدت ملی به شمار می‌روند (صالحی امیری، خدائی ۱۳۸۹).
		قانون‌گریزی	- واژه غیررسمی واژه رایج دیگری برای توصیف حاشیه کلان‌شهرهاست و به مفهوم آن است که فرد یا افرادی زمینی را بدون آنکه مالک یا صاحب آن باشند تصاحب کرده‌اند (George 1976). - غیررسمی بودن مالکیت زمین یکی از ویژگی‌های اصلی فقر شهری است (UN-Habitat 2007).
		فقر زیرساخت	- عمدتین نماد جهانی حاشیه‌نشینی سازه‌های ناایمن و سیمای نامطلوب آن است. - زاغه‌نشینی با ساختارهای مسکن ناقص مشخص می‌شوند (Ratcliff 1945). - تراکم بیش از حد یکی دیگر از ویژگی‌های محله‌های فقیرنشین است (Kimani-Murage & Ngindu 2007). - یکی از خصوصیات شناسایی محله‌های فقیر، زیرساخت‌های عمومی یا ناکافی آن است (UN-Habitat, 2011).
			- حاشیه‌نشینان فاقد بهداشت عمومی و خصوصی در حد و اندازه استانداردهای جهانی و حتی ملی هستند. بیشتر خدمات بهداشتی مناسب، عرضه آب پاک، برق قابل اعتماد، اجرای قانون، و سایر خدمات اساسی را ندارند (UN-Habitat 2007).
			- با توجه به عدم مهارت و آموزش و همچنین بازارهای شغلی رقابتی، بسیاری از ساکنان فقیر بی‌کارند.
		فقر آموزش	- کودکائی که در زاغه زندگی می‌کنند اغلب فرصتی برای رفتن به مدرسه ندارند آن‌ها مجبورند به شغل‌های کاذب بپردازند و از حق تحصیل و تفریح و بازی محروم‌اند (Census of India 2011). در کشور هند (از مراکز اصلی زاغه در دنیا)، بر اساس آمار سال‌های ۲۰۰۸ و ۲۰۰۷، ۱۸ درصد جمعیت شهری ۱۵ سال به بالا فاقد سوادند (Annual Report 2011).

جدول ۳. کدگذاری سطح اول یا باز: اجتماع^۱، کدگذاری سطح دوم یا محوری: سرمایه اجتماعی و هویت

بخش دوم. اجتماع	
	<p>هویت در دو چارچوب فردی - جسمانی و فردی - اجتماعی شکل می‌گیرد. اولویت تاریخی هویت جمعی بر هویت فردی (Mucchielli 1999). هویت شخص که (تا حدودی) قابل تعمیم به هویت‌های جمعی است (Tap 1998).</p>
<p>هویت فردی تعمیم به هویت اجتماعی</p>	<p>برای آنکه جماعتی احساس «هویت مشترک» داشته باشند اعضای آن با گذر زمان نباید احساس «یکپارچگی کالبدی» خود را از دست بدهند. دومین فکر مورد تأکید «انسجام» است که جماعت باید از خود نشان دهد. سومین مشخصه احساس داشتن «اصالت» است. چهارمین مورد احساس «غنی بودن» است یعنی جماعت باید احساس «خودکفایی» داشته باشند. آخرین مشخصه «احترام جماعت» به خود است (فکوهی و پارسا پزوه ۱۳۸۷).</p>
<p>طرد و حاشیه‌نشینی، حاصل نبود همبستگی اجتماعی</p>	<p>طرد در واقع حاصل عدم انطباق کامل میان ذهنیت اجتماعی از یک سو و همبستگی از سوی دیگر است (فکوهی ۱۳۸۳).</p>
<p>سرمایه اجتماعی، نتیجه روابط واقعی و مجازی یک اجتماع</p>	<p>سرمایه اجتماعی مجموع منابع مجازی یا واقعی است که به فرد یا گروهی، با توجه به مزیت در اختیار داشتن شبکه پایداری از روابط کم‌و بیش نهادینه شده آشنایی و شناخت متقابل، تعلق می‌گیرد (Bourdieu 1992).</p>
	<p>سرمایه اجتماعی مستلزم شرایطی به مراتب بیش از وجود صرف شبکه پیوندهاست. در واقع، پیوندهای شبکه‌ای باید از نوع خاصی باشند؛ یعنی مثبت و مبتنی بر اعتماد باشند.</p>
	<p>سرمایه اجتماعی شبکه‌های پیوند، هنجارها، و اعتماد متقابل است که امکان مشارکت برای فعالیت‌های دسته‌جمعی در جهت دنبال کردن موضوعات مشترک و یکسان را فراهم می‌کند (Putnam 1998).</p>
<p>وجود نیروی بالقوه شکل‌گیری سرمایه اجتماعی منسجم و همبسته بین زاغه‌نشینان</p>	<p>زاغه‌نشینان در سطح اجتماعی دارای خصوصیات اجتماعی متعددی که شایسته ارزش‌گذاری است و ترکیب جمعیتی جوان با تنوع فرهنگی و خلاق و انعطاف‌پذیر در آن وجود دارد که در هر دو سطح فردی و اجتماعی به اشتراک‌گذاری ارزش‌های متقابل می‌پردازند (UN-Habitat 2003; Roy 2005; Neuwirth 2005; Hernandez et al 2010; Varley 2013).</p>
	<p>در عین حال، سیاست‌های توسعه جدید نشان می‌دهد سرمایه اجتماعی می‌تواند نقش مهمی در استراتژی‌های مبارزه با فقر ایفا کند (Sen 1999).</p>

همبستگی اجتماعی زاغه‌نشینان در جهن ارتقای هویت

جدول ۴. کدگذاری سطح اول یا باز: بستر^۱، کدگذاری سطح دوم یا محوری: معماری و بستر^۲

بخش سوم. بستر	
عوامل فرهنگی و اجتماعی، اصلی‌ترین زمینه شکل‌گیری سکونت‌گاه‌ها	اما ضرورت توجه به خانه به عنوان بخشی از یک نظام وسیع‌تر تأیید می‌کند که خانه خارج از بستری که در آن قرار گرفته معنای چندانی ندارد (Rapopport 1969). فرضیه پایه من این است که فرم خانه حاصل مجموعه‌ای از عوامل اجتماعی - فرهنگی در وسیع‌ترین معنای آن است. من نیروهای اجتماعی و فرهنگی را نیروهای اولیه و دیگر نیروها را نیروهای ثانوی یا تغییردهنده می‌دانم (Rapopport 1969).
سرمایه اجتماعی، نیروی شکل‌دهنده بستر	سرمایه اجتماعی، به منزله یکی از خروجی‌های اصلی نیروهای اجتماعی و فرهنگی، نقشی تعیین‌کننده در شکل‌گیری بستر ^۲ دارد. اولیور بر آن است که معماری بومی معماری مردمی است (Oliver 2006).
معماری بومی از بطن اجتماع و مردم	در معماری زمینه‌گرا هر بنایی بر اساس زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی، تاریخی و کالبدی، اقلیمی، و شرایط خاص آن سایت و ساختمان طراحی و اجرا می‌شود (بلندیان و ناصری ۱۳۹۳).
حس تعلق در تجسم ارتباط شخص با بستر	در رجوع به مفهوم هویت، باشیدن ^۴ در ارتباط با منابع جغرافیایی و اجتماعی و اخلاقی دنبال می‌شود که هویت را بر اساس ملیت و مذهب و قومیت ارائه می‌کند (Augé 1998). باشیدن نمایشی از فضا و زمان و تجسم ارتباط شخص با مکان زندگی‌اش است. در این معنا احساسی از امنیت و تعلق به مکان به افراد اعطا می‌شود (Augé 1998).
معماری بومی هویت را بر اساس ارتباط با بوم شکل می‌دهد.	مفهوم باشیدن برآمده از یک ارزیابی عمیق روانی و عاطفی انسان است که بر اساس احساسات، تجربه‌ها، و سازگاری‌ها افراد با محیط اجتماعی شکل می‌گیرد (García-Esparza 2015). معماری بومی از طریق ارتباط متقابل انسان با هویت تاریخی، اجتماعی و فرهنگی یک مکان شکل می‌گیرد (García-Esparza 2015).

ارتباط همه‌جانبه توسعه مسکن با بوم و بستر

بر اساس تحلیل‌های به‌دست‌آمده از کدگذاری در دو سطح باز و محوری و نیز نتایج مقوله عمده در هر جدول - که شامل: یک. زاغه‌نشینی دارای «فقر» زیرساختی و فیزیکی و اجتماعی و نتیجه توسعه شهری است، دو. همبستگی اجتماعی زاغه‌نشینان در جهت ارتقای هویت، سه. ارتباط

1. vernacular
2. Vernacular architecture
3. Context
4. Heimat

همه‌جانبه مسکن با بستر است - مقوله هسته به ضرورت هم‌گام کردن زیرساخت‌های مسکن شهری با بوم و بستر مشخص خود در جهت شکل‌گیری سطوح مختلف روابط اجتماعی و ارتقای سرمایه اجتماعی میان زاغه‌نشینان و احیای هویت آن‌ها اشاره می‌کند.

محدوده مورد مطالعه: زورآباد کرج

کرج یکی از کلان‌شهرهای ایران و همچنین مرکز استان البرز است. جمعیت این شهر طبق آمار رسمی سال ۱۳۹۰ برابر ۱,۶۱۴,۶۲۶ نفر و پس از تهران بزرگ‌ترین شهر مهاجرپذیر ایران است. منطقه ۱ تقسیمات شهرداری کرج در حدفاصل شمال شرقی تا شرق آن واقع است و مساحتی بالغ بر ۱۲۰۰ هکتار را با جمعیتی حدود ۱۹۵۰۰۰ نفر به خود اختصاص داده است. طبق اطلاعات درج‌شده در سایت شهرداری کرج، حدود ۱/۷۸۵ درصد از کل مساحت این منطقه را بافت فرسوده تشکیل می‌دهد. این منطقه در جنوب خود قشر فقیر و حاشیه‌نشین کرج را نیز، با نام زورآباد، در بر گرفته است. تراکم جمعیتی زورآباد بسیار بالاست؛ به گونه‌ای که با داشتن ۰,۲ درصد از مساحت شهر کرج ۶,۸ درصد از جمعیت آن را در خود جای داده است. ۶۰ درصد فعالان اقتصادی محل به کارگری ساختمان اشتغال دارند و بقیه بیشتر به دست‌فروشی، رفتگری، کاسبی، و رانندگی مشغول‌اند. بیش از ۱۵۰۰ نفر از کودکان منطقه به جمع‌آوری و خریدوفروش نان خشک در سطح شهر اشتغال دارند. جمعیت ساکن در این محله خاستگاه‌های قومی و جغرافیایی متعدد و متفاوتی از سراسر کشور دارند.



شکل ۳. نمای زورآباد کرج - خبرگزاری مهر (۱۳۹۴)

جدول ۵. موجودیت زورآباد کرج

وضع موجود	تحلیل
<p>حدود ۱/۷۸۵ درصد از کل مساحت این منطقه را بافت فرسوده تشکیل می‌دهد.</p> <p>بافت شهری نامنظم و نامتعارف است. فقر زیرساخت‌های آموزشی و رفاهی در زورآباد کرج دیده می‌شود.</p> <p>تراکم جمعیتی زورآباد کرج بسیار بالاست.</p> <p>۶۰ درصد فعالان اقتصادی محل به کارگری ساختمان اشتغال دارند و بقیه بیشتر به دست‌فروشی، رفتگری، کاسبی، و رانندگی مشغول‌اند.</p> <p>مورفولوژی این منطقه، مشتمل بر سه تپه با شیب تند، ساخت‌وساز را با مشکل مواجه کرده است.</p>	<p>زورآباد کرج دارای فقر زیرساخت‌هایی چون شبکه فاضلاب شهری، بهداشت عمومی، شبکه ارتباطات شهری است که بر سلامت و امنیت و رضایت عمومی اثر می‌گذارد. به لحاظ فضای سکونت‌گاهی، تراکم بالا و جمعیت زیاد در این منطقه سکونت‌گاه‌ها را با فقر فضاهای حیاتی چون سرویس بهداشتی و حمام مواجه کرده است. در بعد کالبدی و ظاهری نیز این منطقه دچار هرج‌ومرج بصری است. در ابعاد آموزشی و رفاهی زورآباد کرج به فقرهای شدیدی چون فقدان سرانه کافی آموزشی در مدارس و فقدان سرانه فضای سبز و سرانه فضای ورزشی دچار است.</p>
<p>ارزش‌های قومی و آیینی و مذهبی و ظرفیت بالای مشارکت اجتماعی در زورآباد کرج</p> <p>ظرفیت بالای نیروی انسانی و جمعیت بالای نیروی جوان</p> <p>سطح اجتماعی یکسان جامعه کارگری</p> <p>منطقه کرج به لحاظ اقلیمی تحت تأثیر ارتفاعات البرز و دره چالوس و رودخانه کرج قرار دارد که موجب خنک و مرطوب‌تر شدن این منطقه نسبت به تهران می‌شود.</p> <p>حداقل و حد اکثر مطلق دما به ترتیب ۲۰- و ۴۲ درجه و میانگین سالیانه نیز ۱/۱۴ درجه سانتی‌گراد است.</p>	<p>وجود شبکه‌های ارتباطات مردمی در زورآباد کرج؛ شامل شبکه‌های مذهبی و مساجد، هیئت‌های عزاداری و مردمی، ارتباطات ورزشی و تیم‌های ورزشی، شبکه‌های ارتباطات فرهنگی و هنری</p> <p>وجود شبکه‌های ارتباطی کارگری ساکن در زورآباد کرج که منافع و منابع مشترکی دارند؛ مانند شبکه ارتباطات محلی، زنان محله، جوانان محله، و ...</p> <p>وجود موقعیت جغرافیایی و آب‌وهوای مناسب نسبت به شهر تهران و امکان طراحی و معماری ساده و بومی بر اساس ویژگی‌های آب‌وهوایی زورآباد کرج دسترسی به امکانات شهری و بهره‌گیری از ظرفیت‌های هم‌جوار مورفولوژی سخت و پیچیده که معماری در این منطقه را با مشکل مواجه کرده و از سویی امکان معماری پلکانی را فراهم آورده است.</p>

ویژگی‌های منفی

ویژگی‌های مثبت

بحث و نتیجه

بر مبنای مقوله هسته تئوری زمینه‌ای این پژوهش، «ضرورت هم‌گام کردن زیرساخت‌های مسکن شهری با بوم و بستر مشخص خود، در جهت شکل‌گیری سطوح مختلف روابط اجتماعی و ارتقای سرمایه اجتماعی»، ارائه الگویی جهت ایجاد یک سکونتگاه زیرساخت محور مقرون‌به‌صرفه، گام‌به‌گام و برمبانی بهره‌گیری از ظرفیت‌های انسانی و اجتماعی موجود در بستر، به یک ضرورت برای این مناطق و بالاخص زورآباد کرج به منزله یک نمونه بارز آن تبدیل شده است. ایده مسکن گام‌به‌گام به معماری زمینه‌گرا برای زورآباد کرج پیشنهاد می‌شود. این نوع مسکن در گام نخست از ظرفیت‌های انسانی، هم‌چون ترکیب جمعیتی جوان و خلاق و انعطاف‌پذیر، و ظرفیت‌های کالبدی و اقلیمی منطقه، چون قرار گرفتن در ارتفاعات البرز و برخورداری از آب‌وهوای معتدل، در طراحی و ساخت این سکونتگاه بهره می‌گیرد. ایجاد زیرساخت‌هایی چون شبکه فاضلاب و آب آشامیدنی و نیز زیرساخت‌های عمرانی، که بستر شکل‌دهنده فضاهای زیستی حداقلی - شامل سرویس بهداشتی، حمام، آشپزخانه، فضای نشیمن، فضای خواب - را فراهم می‌آورد هسته اولیه را شکل می‌دهد.

هسته اولیه سطح اول سرمایه اجتماعی یعنی شبکه‌های پیوند نزدیک و محدود^۱ را با ایجاد سرپناه امن و ایمن تحکیم می‌بخشد. این مسکن پس از استقرار سطح اول سعی می‌کند با تخصیص و ایجاد فضا برای فعالیت‌های مشترک به شکل‌گیری واحد همسایگی در جهت دستیابی به سطح دوم سرمایه اجتماعی، یعنی گروه‌ها و نهادهای جمعی، با اهداف مشترک فرهنگی، سیاسی، مذهبی، قومیتی، و ...^۲ بپردازد. تنوع فرهنگی و اشتراکات قومی و نیز سطح اجتماعی یکسان کارگری زمینه شکل‌گیری سطح دوم سرمایه اجتماعی را فراهم می‌آورد. در جدول ۶ به تفصیل به این موضوع پرداخته می‌شود.

1. Bonding
2. Bridging

جدول ۶. شکل‌گیری سکونتگاه گام به گام

گام اول مسکن گام به گام: ارائه الگوی ساده اما قابل توسعه در طول زمان بر اساس توانایی مالی ساکنان سکونتگاه زورآباد کرج و به شکل ارگانیک

الگویی که در نیمه اول آن نیازهای اولیه سکونتگاه امن و ایمن فراهم آید و کاملاً زیرساخت محور باشد.

چگونگی: مشارکت حداکثری ساکنان در همه مراحل برنامه‌ریزی و ساخت و طراحی چنین سکونتگاهی و ارتباط دادن ظرفیت و توانایی خانواده‌ها با برنامه‌ریزی‌های شهری

خصوصیات: برخورداری از فضاهای اولیه مثل سرویس بهداشتی، حمام، آشپزخانه، و فضای نشیمن که به منزله فضای خواب نیز در این معماری تعبیه می‌شود و نیز فراهم آوردن زیرساخت‌های اولیه چون شبکه فاضلاب و آب آشامیدنی و بهداشت عمومی شکل دهنده فضای اصلی این الگوی پایه و ساده است.

نتیجه گام اول: توسعه سطح اول سرمایه اجتماعی^۱ با ایجاد حس تعلق به مکان

گام دوم: توسعه اجتماعی الگوی گام به گام

چگونگی: شکل‌گیری واحد همسایگی در زورآباد کرج به علت فرصت ایجاد گروه‌هایی از مردم و مرکزیت کارکردی خدمات جمعی و شکل‌گیری قلمرویی برای جامعه‌ای همگن به عنوان یک کل (که خانه فقط بخشی خصوصی‌تر، بسته‌تر، و محفوظ‌تر قلمروی زندگی در آن است).

خصوصیات: خرده‌فضاهای جمعی و گشودگی‌ها در عین بهره‌مندی واحدها از فضاهای شخصی

دسترسی پیاده و احترام به آن و جلوگیری از تداخل مسیرها

دسترسی سواره و شبکه‌های ارتباطی متناسب

استفاده از فضای سبز و سطوح مرتبط با آن و اهتمام به فضای باز

نفوذپذیری و افزایش ارتباطات برون‌محل‌های

توجه به ارزش‌ها و اعتقادات، مانند محرمیت از طریق ممانعت از دیدهای مستقیم

گسترش افقی و توسعه در عرض به جای افزایش بی‌رویه ارتفاع

توزین متناسب توده به فضا و تراکم متناسب

خوانایی فضایی و قابلیت نظارت بر فضاها و کنترل عبور و مرور غریبه‌ها

قابلیت انعطاف‌پذیری به منظور تنوع و سازگاری

نتیجه گام دوم: توسعه سطح دوم سرمایه اجتماعی^۲ با ایجاد بستر اعتمادساز و امنیت‌بخش میان ساکنان

1. Bonding

2. Bridging

منابع

۱. فکوهی، ناصر (۱۳۸۳). *انسان‌شناسی شهری*، تهران: انتشارات نی.
۲. بلندیان، محمود؛ ناصری، سارا (۱۳۹۳). گفتمانی تحلیلی در ارزیابی رویکردها و رویه‌های معماری زمینه‌گرای شهری در عصر جهانی شدن، *مدیریت شهری*، دوره ۱۳، شماره ۳۷، ۲۹۹-۳۲۶.
۳. پارسا پزوه، سپیده (۱۳۸۱). نگرشی از درون به پدیده حاشیه‌نشینی (مطالعه موردی: اسلام‌آباد کرج)، *نشریه رفاه اجتماعی*، دوره ۲، شماره ۶، ۱۶۱-۱۹۸.
۴. حاجی‌پور، خلیل (۱۳۸۵). برنامه‌ریزی محله - مینا، رهیافتی کارآمد در ایجاد مدیریت شهری، *نشریه هنرهای زیبا*، دوره ۱، شماره ۲۶، ۳۷-۴۶.
۵. جوان، جعفر؛ عبداللهی، عبدالله (۱۳۸۷). عدالت فضایی در فضاهاى دوگانه شهری، *فصلنامه ژئوپلیتیک*، دوره ۴، شماره ۲، ۱۵۷-۱۷۵.
۶. صالحی امیری، سیدرضا؛ خدائی، زهرا (۱۳۸۹). ویژگی‌ها و پیامدهای اسکان غیررسمی و حاشیه‌نشینی شهری، *تهران، مجله بررسی مسائل اجتماعی ایران*، دوره ۱، شماره ۳، https://ijsp.ut.ac.ir/article_21899.html
۷. مجد، فرهاد، ۱۳۹۴، اسکان غیر رسمی چالشی فراروی توسعه پایدار شهری، کنفرانس بین‌المللی انسان، معماری، عمران و شهر، تبریز، مرکز مطالعات راهبردی معماری و شهرسازی، https://www.civilica.com/Paper-ICOHACC01-ICOHACC01_048.html
۸. فکوهی، ناصر، پارسا پزوه، سپیده (۱۳۸۷). بررسی انسان‌شناختی محله آلونک‌نشین علی‌آباد مهران، *مطالعات اجتماعی ایران*، دوره ۱، شماره ۴، ۷۵-۹۸.
۹. وبسایت اینترنتی خبرگزاری مهر (۱۳۹۴). حریم منطقه یک، بازیابی شده در ۱۳ شهریور ۱۳۹۷، از: <https://www.mehrnews.com/photo/2526571/%D9%85%D9%86%D8%B7%D9%82%D9%87-%D8%AD%D8%B5%D8%A7%D8%B1-%D9%88-%D8%B2%D9%88%D8%B1%D8%A2%D8%A8%D8%A7%D8%AF-%DA%A9%D8%B1%D8%AC>
11. Abdel Aziz, T. & Shawket, I. (2011). New strategy of upgrading slum areas in developing countries using vernacular trends to achieve a sustainable housing development. *Energy Procedia*. 6. 228-235. 8.1016/j.egypro.2011.05.026.2. Augé, M., 1992. *Non-lieux*. Paris: Seuil.
12. Alberto, A. & La Ferrara, E. (2000). Participation in heterogeneous communities. *Quarterly Journal of Economics* 115(3): pp. 847-904.

13. Annual Report. (2011). planning commission government of India [Comment file]. Retrieved 2018 from: http://planningcommission.nic.in/reports/genrep/ar_eng1112.pdf.
14. Archdaily (2008). Quinta Monroy / ELEMENTAL [Comment file]. Retrieved 2018 from: <https://www.archdaily.com/10775/quinta-monroy-elemental>
15. Augé, M. (1998). *Hacia una antropología de los mundos contemporáneos*. Barcelona: Gedisa.
16. Bourdieu, P. (1986). *The forms of capital*. In John G. Richardson (Ed.), *Handbook of theory and research for the sociology of education* (pp. 241-258). New York: Greenwood Press.
17. Bourdieu, P. (1992). *An Invitation to Reflexive Sociology*, 1 Edition, Polity Press, The University of Chicago. ISBN 07456-1032-3. *Canadian Journal of Policy Res.*, 2(1): pp. 11-17.
18. Census of India (2011). Instruction manual for House Listing and Housing census. Office of The registrar general & Census [Comment file]. Retrieved 2018 from: <http://censusindia.gov.in/2011Documents/Houselisting%20English.pdf>
19. Coleman, J. S. (1988). Social capital in the creation of human capital. *American Journal of Sociology*, 94(1): pp. 95-120.
20. Creswell, J. W. (2012). *Educational research: Planning, conducting, and evaluating quantitative and qualitative research* (4th Ed.). Upper Saddle River, NJ: Pearson.
21. Donoghue, J. & Tranter, B. (2012). Social Capital, Interpersonal Trust, and Public Housing, *Australian Social Work*, 65:3, 413-430, DOI: 10.1080/0312407X.2011.635306.
22. García-Esparza, j. (2015). Epistemological paradigms in the perception and assessment of vernacular architecture, *International Journal of Heritage Studies*, 21:9, 869-888, DOI: 10.1080/13527258.2012.666755.
23. George, J. Beier (1976). Can Third World Cities Cope; *Population Bulletin*, Vol.31, pp. 8-14.
24. Goethert, R. (2010). Incremental Housing [Comment file]. Retrieved 2018 from: <http://web.mit.edu/incrementalhousing/articles/Photographs/pdfs/PagesMondayMag.pdf>
25. Hernandez, F., Kellett, P., & Allen, L. (2010). *Rethinking the informal City*. Oxford: Berghahn Books.
26. Kimani-Murage, E. W. & Ngindu, A. M. (2007). Quality of Water the Slum Dwellers Use the Case of a Kenyan Slum. *Journal of Urban Health, Bulletin of the New York Academy of Medicine*, 84.
27. Lefèbvre, H. (1991). *The Production of Space*. Oxford: Blackwell.
28. Levitas, R. (2006). The concept and measurement of social exclusion, in C. Pantazis, D. Gordon and R. Levitas eds *Poverty and social exclusion in Britain: The Millennium Survey*, Bristol: The Policy Press.
29. Mucchielli, A. (1999). *L'Identite*, Paris.
30. Nassar, D. M. & Elsayed, H. G. (2017). From informal settlements to sustainable communities. *Alexandria Engineering Journal*, 15, 993-999.
31. Neuwirth, R. (2005). *Shadow Cities: A Billion Squatters, a New Urban World*. New York: Routledge.

32. Oliver, P. (2006). *Built to meet needs: Cultural issues in vernacular architecture*. Italy: Architectural press.
33. Ornelas Neves, S. & Amado, M. (2014). Incremental Housing as a method to the Sustainable Habitat, 30th INTERNATIONAL PLEA CONFERENCE, CEPT University, Ahmedabad.
34. Pritzkerprize (2016). Alejandro_aravena [Comment file]. Retrieved 2018 from: <https://www.pritzkerprize.com/laureates/2016>
35. Putnam, R. (2000). *Bowling Alone, The Collapse and Revival of American Community*. New York: Simon and Schuster.
36. Putnam, R. D. (1995). Bowling alone: America's declining social capital. *Journal of Democracy* 6(1), pp. 65-78.
37. Putnam, R. D. (1998). Foreword to the housing policy debate issue on 'social capital': its importance to housing and community development. *Housing Policy Debate* 9, v-viii.
38. Rapoport, A. (1969). *House Form and Culture*, Englewood Cliffs, NJ: Prentice-Hall.
39. Rapoport, A. (1982). *The meaning of the built environment: a nonverbal communication approach*. Sage Publications, Beverly Hills.
40. Rapoport, A. (2002). "The role of neighborhoods in the success of cities." *Ekistics* 69 (412/413/414): pp. 145-151.
41. Redfield, R. (1953). *The primitive world and its transformations*, Cornell University Press Ithaca, N.Y.
42. Roy, A. (2005). Urban informality: toward an epistemology of planning. *Journal of the American Planning Association*, 71 (2): pp. 147-158.
- Ratcliff, R. U. (1945). Filtering down and the Elimination of Substandard Housing. *The Journal of Land & Public Utility Economics* 21(4), pp. 322-330.
43. Roy, D., Harold Lees, M., Palavalli, B., Pfeffer, K. M. A., & Sloot, P. (2014). The emergence of slums: A contemporary view on simulation models. *Environmental Modelling and Software* 59: pp. 76-90.
44. Sandelowski, M. (1995). Sample size in qualitative research. *Research in Nursing & Health*, 18(2), pp. 179-183.
45. Sander, T. (2002). Social Capital and the New Urbanism: Leading a Civic Horse to Water. *National Civic Review, Wiley Periodicals*, 91 (3): pp. 213-234.
46. Sen, A. (1999). *Development as freedom*. Oxford: Oxford University Press.
47. Strauss, A. L. & Corbin, J. (1990). *Basics of qualitative research: Grounded theory procedures and techniques*. Newbury Park: Sage Publications.
48. Shelter Report (2014). Step by Step: Supporting Incremental 14 Building Through Housing Microfinance [Comment file]. Retrieved 2018 from: https://www.habitat.org/sites/default/files/2014_shelter_rpt_final.pdf
49. Tap, p. (1998). Marquer sa Difference, in, Ruano-Borblan. (Coord.) (1998) *L'Identite, l'individu, le groupe, la societe*, Paris: *Editions Sciences Humaines*.
50. TED. (2014). MY architectural philosophy [Video file]. Retrieved 2018 from: http://www.ted.com/talks/alejandro_aravena_my_architectural_philosophy_bring_the_community_into_the_process

51. UN-Habitat (2003). *The Challenge of Slums: Global Report on Human Settlements*. London and Sterling, VA: Earthscan Publications.
52. UN-Habitat (2007). *History of Urbanization and Proliferation of Slums in Kenya*, Twenty First Session of the Governing Council, Nairobi, Kenya.
53. UN-Habitat (2009). *Planning Sustainable Cities: Global Report on Human Settlements*, United Nations Human Settlements Programme, London.69, Santiago de Chile: CEPAL.
54. UN-Habitat (2011). *Cities and Climate Change: Global Report on Human Settlements 2011 seeks to improve*.
55. Varley, A. (2013). Postcolonialising informality Environment and Planning D-Society & Space, 31(4): pp. 4-22.
56. Wainer, L. S., Ndengeingoma, B., & Murray, S. (2016). Incremental housing, and other design principles for low-cost housing, *International Growth Centre, London School of Economic and Political Science*: reference number: C-38400-RWA-1 IGC
57. Wertz, F. J., Charmaz, K., McMullen, L. M., Josselson, R., Anderson, R., & McSpadden, E. (2011). *Five ways of doing qualitative analysis: Phenomenological psychology, grounded theory, discourse analysis, narrative research, and intuitive inquiry*. New York, NY: Guilford.
58. WHO. (2010). *Global tuberculosis control [Comment file]: WHO report 2010*, Geneva. Retrieved 2018 from: <http://www.who.int/iris/handle/10665/444>
59. Woolcock, M. (2001). *The Place of Social Capital in Social Capital Thematic Group. Understanding Social and Economic Outcomes*.